

کارخانه تراکتورسازی تبریز:

اعمال ننگین عمال رژیم سرمایه داری افشاء میشود

فرهنگی وابسته به حزب رسوای جمهوری اسلامی عوامل اصلی برقراری اختناق در کارخانه بوده اند.



بعد از تصویب مجلس در اسفند ۵۹، تعدادی از کارخانجات بعد از هید معادل ۲۰ درصد اضافه تولید را بطور مساوی میان کارگران و کارمندان تقسیم کردند. کارگران کارخانه تراکتورسازی تبریز نیز از مدیریت کارخانه خواهان تقسیم ۲۰ درصد اضافه تولید شدند ولی جوابی دریافت نکردند. تا اینکه بالاخره روز سه شنبه ۸ اردیبهشت کارگران دست از کار کشیده و خواهان دریافت حق خود (۲۰ درصد اضافه تولید) میشوند. بعد از مدتی گفتگو و مذاکرات متفاوت بین مدیران فستهای مختلف با مدیرعامل و غیره، به کارگران گفته میشود که پنج شنبه پاسخ داده خواهد شد.

کارگران به سر کار باز نمیکردند و پنج شنبه دوباره تجمع کرده و خواستار حقوق مسلم خود میشوند. بعد از مدتی نفیسی وارد سالن شده و تهدید به اخراج کارگران میکند. ولی سپس در مقابل خشم کارگران عقب نشینی کرده و میگوید اجازه بدهید بروم ترازنامه را که از وزارت کار آمده است برایتان بیاورم تا ببینید. او سپس سالن را ترک کرده و دیگر باز نمیکرد.

در این میان دیسپاچرهای فستهای مربوطه که تماما عضو کانون فرهنگی هستند بطور مطلق اساسی کارگران را با دداشتت میکنند. روز یکشنبه که کارگران وارد کارخانه میشوند، اساسی ۱۰ نفر را در تابلوی اعلانات می بینند که با امضای اکبرپور رئیس بسیج استان از کار معلق شده اند. ولی بعد از آن اعلامیه ای توسط مدیرعامل درمیشود که در آن اخراج کارگران را به دیسپاچرها نسبت میدهد.

این اطلاعیه سبب گفتگو در میان کارگران میشود. و چون کم کم جو کارخانه رو به تشنج معروف است، مدیر کارخانه جلسهای با شرکت دیسپاچرها و نفیسی و اسکویی و دیگران تشکیل میدهد تا معلوم شود چه کسی کارگران را اخراج کرده است. در این جلسه پس از اینکه تمام حاضرین از خود رفع مسئولیت میکنند، مدیرعامل با عصیانیت میبوسد پس چه

گزارش زیر در مورد کارخانه تراکتور سازی تبریز اخیرا به دست ما رسیده است. گرچه از نظر تاریخ وقایع مورد ذکر مربوط به اردیبهشت است، لیکن نظر به اهمیت مسئله و ضمنا از این نقطه نظر که سابقا مطرح شده نمونه بسیار جالب و زنده ای از برخورد عوامل رژیم سرمایه داری را بین کارگران و نحوه کلاهبرداری از آنها را بوضوح به نمایش میگذارد. اقدام به درج آن میکنیم.



ابتدا لازمست مختصر توضیحی درمبارای اسما عییل مسعودی اسکویی و نفیسی داده شود تا ما هیت عوامل کشتیف رژیم روشنتر شود. اسما عییل اسکویی پسر بیابادار اما مزاده ای اسکو است که از شاه دوستان معروف آنجاست. او معسروف به کورشیخ احمدین اوغلی (پسر شیخ احمدگور) است که کتابی هم در تعریف و تمجید شاه دارد که بعلمت بیسوادی نوشتن آنرا پسرش انجام داده است. اسما عییل اسکویی ابتدا بعنوان کارآموز در کارخانه ی ماشین سازی تبریز استخدام و مشغول کار شد. بعد از اتمام دوره ی کاآموزی وی در امتحان پایان دوره مردود شد. وی مدتی بعنوان کارگر ساده در ریختهگری کار میکرد و بعلمت سختی کار بسیار پارتی بازی قسمتش را عوض کرده و در انبار بعنوان کمک انباردار کار میکند. پس از شروع جنگ ارتجاعی ایران و عراق، شخصی بنام اکبرپور از طرف بسیج استان به کارخانه معرفی میشود تا در کارهای مربوط به ساخت وسایل بدگی ارتش نظارت کند. اسکویی در این میان از فرصت استفاده کرده و خود را مکتبی و از طرفداران پروپا قرص دولت معرفی میکند. اکبرپور هم به او ارتقا درجه داده و وی را بعنوان رئیس حفاظت تراکتور سازی به مدیریت کارخانه معرفی میکنند. وی شخصی است که بکرات کارگران مبارز و حق طلب را با اسلحه تهدید کرده است.

نفیسی رئیس پاکسازی کارخانه تراکتور سازی بود. وی قبلا از کارکنان شرکت کمپدور وابسته به ماشین سازی بود که بعلمت مکتبی بودن، توسط اکبرپور به ریاست پاکسازی گمارده شد. از اقدامات وی اخراج ۴۱ کارگر مبارز بود که تا حدی ناموفق ماند چون تعدادی از آنها با حمایت کارگران پسر کار بازگشتند. این دو عنصر کشتیف همراه با کانسون

کسی غیر از شما اینکار را کرده است؟
نفیسی جواب میدهد من گفتم و اکبرپور امضا کرد.

سه روز بعد کارگران به کارخانه بساز میگردند و مدیرعامل نیز شفاها عذر نفیسی را میخواهد. ولی نفیسی نزد جلال تبریزی یعنی موسوی تبریزی رئیس بنیادگاه های تبریز میرود و از او نامه ای میگیرد که در آن از کارهای نفیسی تقدیر شده و او را تأیید کرده است. باین ترتیب نفیسی مجدداً مشغول کار میشود.

در این میان از طرفی کارگران اعتراض میکنند و از جانب دیگر نگهبانان کارخانه از رفتار اسکویی به مدیرعامل شکایت میکنند و وی طی دو اطلاعیه جداگانه اسکویی و نفیسی را طبق اساسنامه ای استفسار میخورد اخراج میکند و باین ترتیب مبارزه ی کارگران به حداقل نتیجه های که میرسد اینست که آنها را از شر نفیسی و اسکویی خلاص میکند.

ولی عوامل رژیم سرمایه داری یعنی قانون فرهنگی و مدیرعامل با دروغ پسر داری مسالهی اضافه تولید را فعلاً به کنسرسیوم میگذارند. از طرفی قانون فرهنگی، تولید کارخانه را ۸ درصد برآورد کرده و با توسل به قانون کار بموجب رژیم آریا مهری ادعا میکند که ۲۰ درصد اضافه تولید تعلیق نمیکرد زیرا تولید به حد تعصاب نرسیده است. از طرف دیگر مدیرعامل ادعا میکند که تولید صفر است و لذا هیچگونه حق تولید تعلیق نمیکرد.

دروغ و دست بردن در دفاتر از جمله شیوه های است که عوامل رژیم سرمایه داری همواره برای زیر پا نهادن حقوق کارگران به کار میگیرند. مثلاً در بولتن ماهانه ی شمارهی یک کارخانه ی تراکتورسازی، صفحه ی ۲، ستون اول، زیر عنوان "گزارش گردش نقدینگی کارخانه ی تراکتور سازی" چنین بیان شده است:

"کارخانه در مدت ۸ ماه از شهریور سال ۱۳۵۹ توانسته است مبلغ ۳/۹۸۶/۸۷۷/۸۴۵ ریال از بدهی خود به بانکها و شرکتها ی ذینفع را پرداخت نماید."

بنابراین، دقیقاً اولین سئوالی که برای تمام کارگران مطرح است اینست که در صورت پذیرش این ادعا که کارخانه تولید نداشته، پس چگونه موفق به پرداخت مبلغ فوق الذکر شده است؟ آیا توجه به اینکه معمولاً بخشی، و نه همه ی درآمد به پرداخت بدهی اختصاص داده میشود.

گذشته از این، در "ضمیمه ی بولتن خبری شماره ی یک کارخانه ی تراکتورسازی ایستوران تبریز، پیشرفت پروژه ها در ششماهه ی دوم سال ۵۹ و اوایل سال ۶۰، در صفحه ی ۴ قسمت ج - تولیدات ادوات کشتاورزی" به "نصب لودر سوئدی

مدل ۴۰۰۰ روی تراکتور (۶ دستگاه)، مونتساز تبریز (۱۶۶ دستگاه)، ساخت شاسی جهت موتورهای زمینی رومانی (۱۴۹۲ دستگاه)، مونتساز موتور آب رومانی (۱۴۹۲ دستگاه)، ساخت شاسی موتور رومانی (۲۱۶ دستگاه)، مونتساز موتور ژنراتور انگلیسی (۲۰ دستگاه) اشاره شده است. لیکن این قسمتها کلاً از ترازنامه های که در اختیار کارگران قرار گرفته است حذف شده اند.

علاوه بر تمام اینها، دو فقره تولید نیز در کارخانه انجام گرفته که نه در ترازنامه به چشم میخورد و نه در "ضمیمه ی بولتن خبری" و این دو فقره عبارتند از:

- ۱- موتورهای پیکنز تعداد نامعلوم قیمت نامعلوم
- ۲- تولید تراکتورب- ۵ روزانه ۲ عدد هر عدد ۲۵۰ هزار تومان

روشن است که این دستکاریها و تقلبات فقط به این خاطر انجام گرفته است تا اعمال رژیم سرمایه داری بتوانند حق کارگران را براضتی با ادعای تولید صفر و غیره همچون همیشه با اعمال کنند. از رژیم که هر روز کارگران اعتراضی را به گلوله میپندد، رژیم که دادستان فاشیست و خدانقلابی آن لاجوردی اعتراف میکند که کارگرانی را که در کارخانه ها از مرگ بهشتی شادی کرده بودند دستگیر کرده است، آیا جز این انتظار میسرود؟ مسلماً خیر. مدیرعاملها، "قانون فرهنگی" ها (که در کارخانه های دیگر عموماً انجمن اسلامی و شورای اسلامی نام دارند) و امثال نفیسی و اسکویی در تمام کارخانه ها وظیفه ی سرکوب کارگران و دفاع از منافع سرمایه داران و دولت آنها، یعنی دولت جمهوری اسلامی را به عهده دارند. تنها راه کسب حقوق کارگران، مبارزه ی قاطعانه علیه این رژیم و عوامل آن در کارخانه ها یعنی انجمن اسلامی و توده های آنها و سایر کسانی است که قصد حفظ این رژیم و کمک به سرکوب کارگران و به گمراه کشیدن آنها را دارند.



بیانیه ی

اقدام دادگاهها و دادسرای انقلاب را مغایر با اصول قانون اساسی و آخرین نامه ی دادگاهها و دادسرای انقلاب و دیگر اصول و قواعد قضایی و حقوقی و برخلاف عدل و انصاف میدانند و آنرا مورد اعتراض قرار داده معکوم می کنند و خواستار قطع فوری اینگونه اعدا شده اند.

پیش بسوی تدارك انقلاب سوسیالیستی